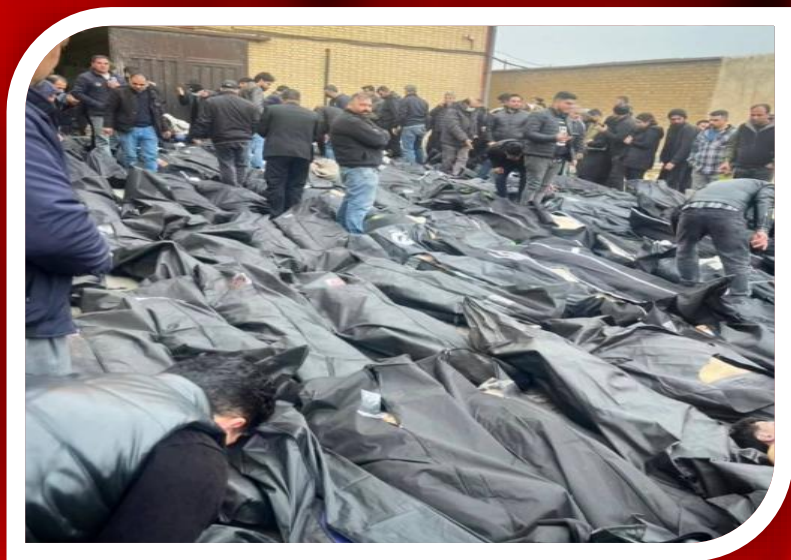


نه گوادلوپِ جدید،

نه هرج و مرج و فروپاشی اجتماعی،

زنده باد مبارزه‌ی مستقل پرولتری!



صدای انترناسیونالیستی

در جریان اعتراضات سال ۱۳۵۷، بورژوازی غرب به این جمع‌بندی رسید که رژیم شاه دیگر توان حفظ قدرت را ندارد و ادامه‌ی سرکوب خونین، بیش از آن که ثبات ایجاد کند، خطر رادیکال شدن جنبش توده‌ای و به ویژه جنبش کارگری را افزایش می‌دهد. با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک ایران، ضرورت یک گذار کنترل‌شده در دستور کار قرار گرفت؛ گذاری که هدف آن حفظ ارتش، دستگاه دولتی و ساختار سرمایه‌داری، جلوگیری از خروج ایران از مدار غرب در شرایط جنگ سرد، و مهار خطر کمونیسم و خود سازمان‌یابی طبقه‌ی کارگر بود.

در این چارچوب، خمینی اگرچه مطلوب‌ترین گزینه‌ی بورژوازی غرب نبود، اما عملاً تنها آلترناتیو ممکن به شمار می‌رفت. او به طور قاطع ضد کمونیست بود، از طریق مذهب و شبکه‌ی مساجد نفوذ توده‌ای گسترده‌ای داشت، و قادر بود اعتصابات، جنبش کارگری و شوراهای کارگری در حال شکل‌گیری را مهار و منحرف کند.

در راستای تحقق این هدف، در دی ماه ۱۳۵۷ سران چهار قدرت اصلی غربی وقت، آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان غربی، در جزیره‌ی گوادلوپ کنفرانسی برگزار کردند. هدف این کنفرانس جلوگیری از گسترش و تشدید مبارزه‌ی طبقاتی و تضمین انتقال کنترل شده‌ی قدرت سیاسی بود؛ انتقالی که در آن، قدرت از بورژوازی «کراواتی» به بورژوازی «عمامه به سر» منتقل شود، بی آن که اساس نظم سرمایه‌داری و سازوکارهای سلطه طبقه حاکم به چالش کشیده شود.

مدت‌ها است که کشورهای غربی، در رأس آن‌ها آمریکا و به ویژه اسرائیل، می‌کوشند از اعتراضات اجتماعی در ایران سوء استفاده کرده و آن‌ها را در راستای اهداف امپریالیستی خود تحت تأثیر قرار دهند. اعتراضاتی که از ۷ دی‌ماه ۱۴۰۴ آغاز شد، با وجود همه‌ی ضعف‌ها و ابهام‌ها، تا مدتی به سرکوب گسترده و حمام خون منتهی نشده بود.

اما با فراخوان رضا پهلوی، بازوی اسرائیل و فرزند دژخیم رژیم شاهنشاهی برای روزهای ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۴، نیروهای فوق ارتجاعی، باندهای مشکوک و عناصر ماجراجو، به طور کلی «نیروهای سیاه» اعتراضات، میدان را در جهت اهداف ارتجاعی خود تحت تأثیر قرار دادند. در پی این روند، بورژوازی ننگین اسلامی نیز با توسل به سرکوبی وحشیانه، اعتراضات را به حمام خون کشاند.

با این حال، هنوز عمق و ابعاد دقیق این فاجعه برای هیچ کس به طور کامل روشن نیست؛ تنها می‌توان گفت که «خبر هولناک بود».^۱ در کنار گزارش‌های واقعی، حجم گسترده‌ای از اخبار جعلی نیز در جهت اهداف ارتجاعی در گردش است. هم‌زمان، رسانه‌های غربی نیز در چارچوب منافع امپریالیستی بورژوازی غرب و برای جا انداختن آلت‌رناتیوهای مورد نظر قدرت‌های غربی، مشغول مهندسی افکار عمومی هستند و در این راستا نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند.

^۱ با روشن‌تر شدن ابعاد واقعی جنایات صورت گرفته و کنار رفتن غبار تبلیغات، اخبار جعلی و بهره‌برداری‌های امپریالیستی و ارتجاعی، صدای انترناسیونالیستی تحلیلی جمع‌بندی شده و مبتنی بر منافع مستقل طبقه‌ی کارگر از این اعتراضات اراکه خواهد داد.

اگرچه این حمام خون و قتل عام مستقیماً توسط بورژوازی ننگین اسلامی به اجرا درآمد، اما این جنایت را نمی‌توان صرفاً به سرکوب یک رژیم دیکتاتوری فروکاست. این قتل عام نتیجه‌ی پیوند سرکوب داخلی با نیروها و جریاناتی است که اعتراضات را به سوی اهداف ارتجاعی سوق دادند و زمینه‌ی مداخله‌ی ماشین سرکوب را فراهم کردند. از فرزند دژخیم شاهنشاهی و باندهای سیاه گرفته، تا راست و چپ سرمایه که به نام «انقلاب» فرمان تسخیر و ماجراجویی صادر کردند؛ از دموکرات‌های گانگستر تا ترامپ و نتانیاهو، همگی در این فاجعه سهیم‌اند.

کمونیست‌های چپ پیش‌تر تأکید کرده‌اند که حتی دموکراسی‌های غربی نیز در جنایت‌هایی چون نسل‌کشی آشویتس شریک بوده‌اند. ما نیز در مقاله‌ای^۲ نشان داده‌ایم که تمامی دولت‌ها، از جمله دموکراسی‌های غربی، در نسل‌کشی غزه نقش و مسئولیت دارند. اکنون نیز با صراحت اعلام می‌کنیم که هر نیرویی که به هر شکل، زمینه‌ی ورود ماشین سرکوب بورژوازی اسلامی به اعتراضات را فراهم کرده است، در این قتل عام سهیم است. گانگسترهای غربی، جهادی‌ای چون ابومحمد جولانی را که زمانی جایزه‌ای ۱۰ میلیون دلاری برای دستگیری‌اش تعیین شده بود از هیئت یک جنگجوی جهادی بیرون آوردند، با غسل تعمید سیاسی مشروعیت بخشیدند، برایش کت و شلوار پوشاندند و او را به عنوان «رئیس دولت» با فرش قرمز در اروپا و حتی کاخ سفید پذیرفتند.

^۲ نسل‌کشی در غزه، محصول توحش سازمان‌یافته سرمایه‌داری جهانی

رضا پهلوی و دیگر نیروها و چهره‌های ارتجاعی نیز در انتظار سناریویی مشابه‌اند: این که همان قدرت‌های غربی، به ویژه محور آمریکا-اسرائیل، آنان را به عنوان جایگزین حاکمان کنونی به قدرت برسانند.^۳ امروز، دستجات و باندهای سیاه نیز امیدوارند همان امپریالیست‌ها این بار بورژوازی کراواتی را جایگزین بورژوازی عمامه به سر کنند. این جنایتکاران توقع دارند چون کراوات و پاپیون به جای ریش دارند، گذار قدرت آسان‌تر خواهد شد و «گودالوپ» دیگری در تاریخ تکرار می‌شود.

با این حال، هرچند این دستجات و باندها در پی ایفای نقشی مشابه تحریرالشام هستند و حتی برخی جریان‌ها با ادعاهای پرطمطراق انقلابی و آزادی‌خواهانه نیز عملاً در خدمت اهداف ارتجاعی حرکت می‌کنند، واقعیت آن است که فضای سیاسی ایران، ماهیت و وزن درخیمان اسلامی، و مهم‌تر از همه شرایط و موقعیت طبقه‌ی کارگر در ایران، به هیچ وجه قابل مقایسه با سوریه نیست.

با این حال، هرچند این دستجات و باندها خواستار ایفای نقشی مشابه تحریرالشام هستند، و حتی جریاناتی با ادعاهای پرطمطراق انقلابی و آزادی‌خواهانه نیز بدنبال اهداف ارتجاعی هستند، اما واقعیت آن است که فضای سیاسی ایران، ماهیت و وزن درخیمان اسلامی، و

^۳ تظاهرات‌های اخیر خارج از کشور در حمایت از رضا پهلوی که زیر پرچم اسرائیل برگزار می‌شوند و توان جذب نیروی قابل توجهی یافته‌اند، در حالی که پیش‌تر تجمع‌های حامی او معمولاً به چند ده نفر محدود می‌شد، نشان‌دهنده‌ی حمایت و پشتیبانی دولت‌ها و محافلی است که در چارچوب اهداف امپریالیستی خود به دنبال آلترناتیوسازی هستند.

مهم‌تر از همه شرایط و موقعیت طبقه‌ی کارگر در ایران، به هیچ وجه قابل مقایسه با سوریه نیست.

بورژوازی ننگین اسلامی نه با نظام شاهنشاهی پهلوی قابل قیاس است، نه با سوریه و نه با ونزوئلا؛ بلکه با حکومتی ایدئولوژیک روبه‌رو هستیم که دقیقاً به دلیل همین ماهیت ایدئولوژیک، به سادگی کنار نخواهد رفت. تنها در شرایطی که مبارزه‌ی طبقاتی گسترش یابد، سازمان یابد و به شکلی حاد و مستقل بروز کند، به زیر کشیدن بورژوازی اسلامی کمتر خونین خواهد بود.

در غیر این صورت، هرگونه ماجراجویی نیروهای ارتجاعی، فارغ از شکل، نام یا گرایش ظاهری آن‌ها، و چه در قالب نوکری مستقیم قدرت‌های خارجی و چه با اتکا به حمایت آن‌ها، به طور اجتناب‌ناپذیر به سرکوبی به شدت خونین منجر خواهد شد و به احتمال زیاد مسیر را به سوی یک جنگ امپریالیستی هموار می‌کند.

از همین رو، ما از به کارگیری مفهوم «جنگ داخلی»^۴ پرهیز می‌کنیم و به جای آن از «جنگ امپریالیستی» سخن می‌گوییم. اصطلاح جنگ داخلی بار معنایی مثبتی دارد و معمولاً به معنای جنگی انقلابی در درون مرزهای یک کشور به کار می‌رود. حال آن که در

^۴ کمونیست‌های چپ، برای مثال، تحولات اواخر دهه‌ی ۱۹۳۰ در اسپانیا را نه یک جنگ داخلی به معنای کلاسیک یا انقلابی آن، بلکه جنگی امپریالیستی می‌دانند. هرچند گاه در بیان توصیفی و از سرب‌ی دقتی از اصطلاح «جنگ داخلی» استفاده می‌شود، اما مقصود آنان هرگز یک جنگ انقلابی یا نبردی میان دو اردوگاه طبقاتی متخاصم نیست، بلکه تأکیدشان بر ماهیت امپریالیستی آن درگیری است.

وضعیت توصیف شده، با جنگی روبه‌رو هستیم که نه تنها ماهیتی امپریالیستی دارد، بلکه با توجه به ماهیت ایدئولوژیک و قومی ایران، احتمال گسترش آن به دیگر کشورها نیز وجود دارد.

در جامعه، اعتراضات و اعتصابات گسترده‌ی کارگری جریان داشت: از کارگران صنعتی تا بازنشستگان، از معلمان تا کادر درمان و دیگر بخش‌های مزدبگیر. با این حال، در پی تحولات اخیر جنبش کارگری به تدریج تحت‌الشعاع اعتراضات خیابانی قرار گرفت، فروکش کرد و تضعیف شد.

تنها طبقه‌ی کارگر است که با آگاهی از هویت و منافع طبقاتی خود، و با سازمان‌یابی به مثابه یک نیروی اجتماعی مستقل، می‌تواند مانع تکرار جابجایی قدرت چون سال ۱۳۵۷، بازتولید سناریوهایی نظیر یک «گودالوپ جدید»، و حتی کشانده‌شدن جامعه به سوی جنگ امپریالیستی و فروپاشی اجتماعی شود. تنها از این مسیر است که می‌توان بورژوازی کثیف اسلامی را به شیوه‌ای انقلابی، از پایین و به دست خود توده‌های کارگر، سرنگون کرد.

تأکید بر مبارزه‌ی مستقل طبقه‌ی کارگر، آن هم از زمین طبقاتی و با اهداف طبقاتی، نه تنها مانع آن می‌شود که طبقه‌ی کارگر بار دیگر به سیاهی‌لشکر پروژه‌های بورژوازی و گودالوپ‌های تازه بدل شود، بلکه این امکان را فراهم می‌کند که خود نظام سرمایه‌داری به چالش کشیده شود و آلترناتیوی برخاسته از منافع اکثریت جامعه ارائه گردد. از این رو، مبارزه‌ی ما باید آگاهانه، مستقل و صرفاً در جهت منافع طبقاتی خودمان باشد؛ نه در خدمت

جا به جایی قدرت میان اشکال مختلف سلطه‌ی بورژوازی، ما باید تنها و تنها به خاطر منافع طبقاتی خود بجنگیم.

زنده باد مبارزه مستقل کارگری!

آینده متعلق به مبارزه طبقاتی است!

فیروز اکبری

۲۹ دی ۱۴۰۴

کانال تلگرام:

<https://t.me/intvoice>

ایمیل:

contact@internationalistvoice.org

وبسایت:

www.internationalistvoice.org

ایکس (توییتر سابق):

https://twitter.com/int_voice

صدای انترناسیونالیستی منتشر کرده است !

از بازار تا خیابان: بحران سرمایه‌داری
و ضرورت مبارزه مستقل کارگری



صدای انترناسیونالیستی

موج جدید اعتراضات خیابانی
افق و دورنمای پروتزی



صحنه ای از اعتراضات خیابانی

صدای انترناسیونالیستی

E-mail: contact@internationalistvoice.org

Homepage: www.internationalistvoice.org

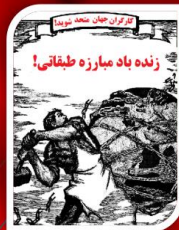
تلگرام: <https://t.me/intvoice>

انتخاب سرنوشت‌ساز:
نه دموکراسی یا فاشیسم،
بلکه سوسیالیسم یا بربریت



صدای انترناسیونالیستی

منشور مطالبات حداقلی یا
منشور مهار مبارزه طبقاتی



صدای انترناسیونالیستی